

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: اسماعیل فخر آ
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۰۸ اپریل ۲۰۲۵

پشت تهدیدهای ترمپ علیه ایران چه سیاستی پنهان است



سیاست خارجی دونالد ترمپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، در قبال ایران همواره با رویکردی تهاجمی، غیرقابل پیش‌بینی و مبتنی بر تهدید و جنگ‌افروزی همراه بوده است. رویدادهای اخیر، ابعاد مختلف این سیاست و واکنش ایران به آن را به خوبی ترسیم می‌کند.

تهدید بی‌سابقه و نقض آشکار حقوق بین‌الملل:

برای نخستین بار در تاریخ روابط ایران و آمریکا رخ داده است: تهدید مستقیم یک رئیس‌جمهور آمریکا به حمله نظامی و بمباران ایران در صورت عدم توافق. این تهدید، نه یک شعار سیاسی بلکه یک «کارت جنگ» رو شده از سوی ترمپ تلقی می‌شود. استقرار ناوهای هواپیمابر و بمب‌افکن‌های B-2 در منطقه، تلاشی برای اعتبار بخشیدن به این تهدید بی‌سابقه است.

این اقدام ترمپ، نقض آشکار ماده ۲ منشور ملل متحد است که هرگونه تهدید به توسل به زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشورها را ممنوع می‌داند. سکوت جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی، به ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد، در برابر این تهدید آشکار، نه تنها نشان‌دهنده تضعیف نظم حقوقی بین‌الملل است، بلکه به تداوم رفتارهای یکجانبه و قدرت‌نمایی آمریکا دامن می‌زند.

از منظر نظریه بازی‌ها، تهدید ترمپ در دسته «تهدیدات معتبر اما پرهزینه» قرار می‌گیرد. او با نمایش قدرت نظامی تلاش می‌کند ایران را وادار به عقب‌نشینی از مواضع خودش کند. اما مخاطب این تهدید تنها ایران نیست؛ بلکه

کشورهای منطقه، قدرت‌های اروپائی، روسیه و چین و حتی مخالفان داخلی ترمپ نیز در معرض این نمایش هدفمند قرار دارند.

واکنش هوشمندانه ایران: بازدارندگی ترکیبی و آمادگی ستراتیژیک:

در مقابل این تهدید بی‌سابقه، ایران رویکردی چندوجهی و هوشمندانه را در پیش گرفته است، این رویکرد مبتنی بر «بازدارندگی ترکیبی» است و شامل موارد زیر می‌شود:

* - آمادگی‌های گسترده دفاعی: ایران با بازآرایی توان نظامی خود در حوزه‌های پدافندی، راکتی، بحری و جنگ نامتقارن، آمادگی خود را برای مقابله با هرگونه تجاوز احتمالی افزایش داده است. این آمادگی‌ها تنها محدود به مانورهای نمایشی نیست، بلکه در تقویت زیرساخت‌های دفاعی و آرایش جدید نیروها متناسب با تهدیدات احتمالی نمود پیدا کرده است.

* - تکیه بر محور مقاومت: ایران بر ظرفیت شبکه‌ای از متحدان منطقه‌ای خود تأکید دارد. این شبکه، که از لبنان تا یمن و از سوریه تا عراق گسترده شده است، به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر مداخلات خارجی عمل می‌کند. هشدار ایران درباره آسیب‌پذیری پایگاه‌های امریکا در منطقه و احتمال اخلال در تردد نفتکش‌ها، نشان‌دهنده جدیت این عامل بازدارنده است.

* - دیپلماسی فعال: همزمان با اقدامات نظامی، دستگاه دیپلماسی ایران نیز به طور فعال در حال رایزنی با کشورهای دوست و تقویت محورهای منطقه‌ای است. صحبت‌های سطح عالی با دولت‌های تأثیرگذار و رفت‌وآمدهای دیپلماتیک نشان‌دهنده تلاش ایران برای ایجاد ائتلاف‌های پنهان و آشکار در برابر سناریوی جنگ است.

* - تزریق عدم قطعیت: ایران با هشدار درباره هزینه‌های سنگین حمله نظامی برای امریکا و احتمال گسترش دامنه جنگ، در حال «تزریق عدم قطعیت» به تصمیم‌گیران امریکائی است. این بدان معناست که امریکا نمی‌تواند با اطمینان از کنترل پیامدها، تصمیم به آغاز حمله بگیرد.

نقطه تصمیم هسته‌ای ایران: تهدید بازدارنده متقابل:

یکی از مهم‌ترین واکنش‌های ایران به تهدید ترمپ، که در مطلب اول به آن اشاره شده، هشدارهای صریح درباره احتمال تجدیدنظر در ستراتیژی عدم ساخت سلاح هسته‌ای است. اظهارات علی لاریجانی، مشاور رهبر جمهوری اسلامی، در این زمینه، یک «تهدید بازدارنده متقابل» تلقی می‌شود. ایران با اعلام این که در صورت تهدید موجودیت، ممکن است وارد فاز ساخت سلاح هسته‌ای شود، تلاش می‌کند مانعی پیش‌دستانه در برابر اقدامات احتمالی امریکا ایجاد کند. این وضعیت، یک «خط قرمز تقابلی» را ترسیم می‌کند که عبور امریکا از آن می‌تواند منجر به تغییر ستراتیژی ایران شود.

بازی چندگانه سیگنال‌دهی امریکا:

همانطور که در مطلب اول اشاره شده، ستراتیژی امریکا در قبال ایران مبتنی بر ارسال همزمان پیام به چند بازیگر مختلف است. تهدید نظامی ترمپ، علاوه بر ایران، اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کند:

- * - اسرائیل: اطمینان از تعهد امریکا به گزینه نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران.
- * - کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس: دلگرم کردن آنها با تضمین حمایت امنیتی امریکا.

- * - قدرت‌های اروپایی: افزایش فشار بر ایران با امید به احیای دیپلماسی مورد نظر غرب.
 - * - چین و روسیه: ایجاد احتیاط در حمایت از ایران در برابر فشارهای امریکا.
- این «سیگنال‌دهی چندجانبه» یک تاکتیک کلاسیک برای تقویت ائتلاف و افزایش فشار بر حریف اصلی است.

تأکید ایران بر مذاکره غیرمستقیم و رد شروط تحمیلی:

سخنان سخنگوی وزارت خارجه موضع ایران را منعکس می‌کند که بر آمادگی ایران برای مذاکره غیرمستقیم در مورد موضوع هسته‌ای تأکید دارد، اما در عین حال، تشکیل هرگونه گروه جدید برای مذاکره با امریکا را شایعه می‌خواند. عدم پاسخ امریکا به پیشنهاد ایران برای مذاکره غیرمستقیم نیز در این مطلب مورد اشاره قرار گرفته است. ایران با اشاره به تجربه لیبیا در سال ۲۰۰۳، هرگونه ایده پیروی از آن مدل را قاطعانه رد کرده است. عباس عراقچی، معاون وقت وزیر امور خارجه، این ایده را «بی‌معنی» و «یک رویا» توصیف کرده و تأکید کرده است که ایران خواستار مذاکرات بر «پایه برابر» است و تهدید و مذاکره با یکدیگر سازگار نیستند.

آماده‌باش کامل ارتش ایران در پی تهدیدات ترمپ:

رویتز ادعا می‌کند که ایران ارتش خود را به حالت آماده‌باش کامل درآورده و به کشورهای همسایه هشدار داده است که از حمله احتمالی امریکا حمایت نکنند. این اقدام پس از نامه ترمپ به رهبر ایران و تهدید او به بمباران در صورت عدم توافق صورت گرفته است.

این گزارش، نشان‌دهنده جدیت ایران در مواجهه با تهدیدات ترمپ و تلاش برای جلوگیری از هرگونه همکاری منطقه‌ای با امریکا در صورت وقوع درگیری است. هشدار به کشورهای همسایه مبنی بر این که اجازه دادن به نیروهای امریکایی برای استفاده از حریم هوایی یا قلمرو آنها به عنوان یک اقدام خصمانه تلقی خواهد شد، پیامی قاطع به منطقه و فراتر از آن است.

سیاست تهدید و جنگ‌افروزی دونالد ترمپ علیه ایران، نه تنها نقض آشکار حقوق بین‌الملل و تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی است، بلکه با واکنش هوشمندانه و چندجانبه ایران روبه‌رو شده است. ایران با اتخاذ ستراتیژی «بازدارندگی ترکیبی»، نشان داده است که در برابر هرگونه تجاوز احتمالی آماده است و هزینه‌های آن را برای مهاجم به شدت بالا خواهد برد.

تأکید ایران بر مذاکره غیرمستقیم بر پایه احترام متقابل و رد هرگونه پیش‌شرط و تهدید، نشان‌دهنده تمایل تهران به حل دیپلماتیک مسائل است، اما در عین حال، آمادگی برای دفاع از منافع و امنیت ملی خود را نیز حفظ کرده است. ضعف نهادهای بین‌المللی در برابر رفتارهای یکجانبه و تهدیدآمیز امریکا، ضرورت تقویت سازوکارهای چندجانبه و پایبندی همه کشورها به اصول حقوق بین‌الملل را بیش از پیش آشکار می‌سازد. بازی در لبه پرتگاه، همانطور که در مطلب اول اشاره شده، همواره با خطر سوءتفاهم و اشتباه محاسباتی همراه است و می‌تواند عواقب ناگواری برای همه طرف‌ها به دنبال داشته باشد. امید است که عقلانیت و دیپلماسی بر منطق تهدید و جنگ‌افروزی غلبه کند و راهی برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات پیدا شود.

۰۷ اپریل ۲۰۲۵